

ارزیابی بی ثباتی درآمد صادرات نفت و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن در ایران

رحمت شمس^{۱*}، بختیار احمدی^۲

۱- کارشناسی ارشد مطالعات توسعه، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

در کشورهایی که بخش عمده درآمد صادراتی از محل فروش نفت تأمین می‌شود و اتکای دولت به دیگر صادرات غیر نفتی در حداقل است ثبات درآمدهای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به این موضوع که نفت مهم‌ترین منبع تأمین درآمد ارز و یکی از منابع اصلی تأمین بودجه عمومی کشور ما می‌باشد بی ثباتی، ناپایداری و نوسان درآمد حاصل از آن که از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد تمام برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر تحقیقات انجام گرفته در این موضوع و استفاده از داده‌های تحلیل ثانوی بوده است. توصیف و تحلیل‌های صورت گرفته در این تحقیق حاکی از این هستند که بی ثباتی درآمدها زمینه ساز بی ثباتی برنامه‌های توسعه‌ای و سیاست‌های بودجه‌ای و بی ثباتی‌های برنامه ریزی شده‌اند چرا که بودجه ریزی سالانه و سایر برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی بشدت وابسته به منابع نفتی‌اند و نابسامانی درآمدهای صادرات نفت زمینه ساز نابسامانی‌های برنامه‌های دولت می‌باشد که طی تحقیقات انجام گرفته این امر در نهایت گریبان گیر گروه‌هایی با سطح درآمدی پایین می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: بی ثباتی صادرات، بیماری هلندی، شوک‌های نفتی، رشد اقتصادی

۱- مقدمه

درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار بر متغیر کلان اقتصادی می‌باشد. بخش نفت نه تنها به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم اقتصادی بر سایر متغیرهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد بلکه درآمدهای حاصل از آن نقش مهمی به عنوان منبع مهم مالی دولت و درآمد ارزی کشور ایفا می‌کند. در سالهای اخیر سهم صادرات نفت از کل صادرات بین ۶۵ تا ۷۵ درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۵ درصد بوده است. همچنین صادرات نفت منبع اصلی تأمین ارز برای واردات بوده است. علاوه بر این بخش مهمی از هزینه‌های دولت از طریق صادرات نفت تأمین می‌شود (بیش از ۶۰ درصد) بنابراین برخی از متغیرهای مهم اقتصادی مانند واردات، هزینه‌های مصرفی دولت، سرمایه گذاری دولتی و خصوصی، نرخ ارز و ... متأثر از صادرات نفت‌اند (افروز و سوری، ۱۳۸۸: ۱۰۳). حال در چنین وضع وابستگی کشور به درآمد نفت بی ثباتی درآمد صادراتی آن که از تحولات برونزا سرچشمه می‌گیرد و از کنترل سیاست مداران خارج می‌باشد و درآمدهای نفتی را با نوسانات زیادی مواجه می‌کند که این مسئله خود عاملی برای بی ثباتی اقتصادی در کشور می‌گردد و این ناپایداری به سایر حوزه‌ها سرایت می‌کند همچنین سیاست گذاری‌های نفتی در کشورهای نفت خیز بخش عمده‌ای از سیاست‌های ملی این کشورها را تشکیل می‌دهد که هرگونه برنامه ریزی کشور متأثر از آن می‌باشد کشور ایران هم بعنوان یکی کشورهای نفت خیز دنیا، صادرات این ماده در سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های این کشور اهمیت بسزایی دارد با اینکه منابع نفت ذخایر باارزشی را در اختیار این کشور قرار داده است اما وابستگی بالای درآمدهای صادراتی کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت سبب شده است که هر گونه تغییر در قیمت‌های نفت، برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور را با اختلال مواجه ساخته و در نتیجه روند رشد و توسعه اقتصادی کشور را به مخاطره باندازد. تأثیر بی ثباتی درآمدهای نفتی و پیامدهای آن به جایی رسیده که به کرار اقتصاد دانان و جامعه شناسان در کشور از مفاهیم (شومی منابع)، (رانت نفتی)، (اقتصاد نفتی)، (بی ثباتی ارزی-اقتصادی)، (حربه نفتی)، (تحریم نفتی-اقتصادی) استفاده می‌کنند که همه این مفاهیم گویای اقتصاد متزلزل و متکی به نفت حکایت می‌کند که دامنگیر دیگر حوزه‌های نظام اجتماعی هم شده است. حالبراستی

۱- روند بی ثباتی درآمدهای صادراتی نفت در کشور به چه صورتی بوده است؟

۲- روند بی ثباتی درآمدهای صادراتی نفت چه پیامدهای اقتصادی- اجتماعی داشته است؟

این‌ها سولاتی هستند که در این مقاله در پی یافتن آن می‌باشیم.

۲- بی ثباتی درآمدهای صادرات نفتی

در مورد بی ثباتی اقتصادی در کشور می‌توان از دو کانال به بررسی موضوع پرداخت یکی اینکه این بی ثباتی شامل بی ثباتی درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت می‌باشد که عواملی (سیاسی، جنگ، اقتصادی و ...) باعث این بی ثباتی و نابسامانی روند قیمت نفت می‌شوند و این بی ثباتی و تکانها در کوتاه مدت و بلند مدت پیامدهایی را برای نظام اجتماعی به بار خواهد آورد. دومین بی ثباتی، از شوک‌ها و تکان‌های بی ثباتی درآمدها ناشی می‌شود به این معنا که زمانی که درآمدهای یک کشور شوک‌هایی پدید می‌آید سایر بخش‌های نظام دستخوش تغییراتی هم‌نوا با این بی ثباتی می‌گردند که می‌توان از آن به بی ثباتی نوع دوم از آن یاد کرد. با این وصف بی ثباتی نوع اول از تأثیرات داخلی و خارجی کشور تأثیر می‌پذیرد اما بی ثباتی نوع دوم از تغییرات درآمدهای ارزی صادرات بوجود می‌آید. درآمدهای صادراتی همانند سایر متغیرهای اقتصادی، در طول زمان روند یکنواختی ندارند و دچار نوسانات زیادی می‌شوند. حال وابستگی یک کشور به صادرات یک نوع کالا (همانند نفت) می‌تواند عواقب اقتصادی- اجتماعی به بار آورد.

۲-۱- تعریف بی ثباتی

اولین اقتصاددانی که به تعریف بی ثباتی پرداخت کوپوک^۱ بود. وی معتقد بود باید بین نوساناتی مشکل زا و نوسانات مفید تفاوت قائل شد. از نظر وی بی ثباتی به معنی هر انحراف از مسیر ثابت نیست بلکه انحراف بیش از حد نرمال به عنوان بی ثباتی تلقی می شود (فخرایی و احمدی، ۱۳۹۰). مطابق دیدگاه دیگر از گویلامونت^۲ و دیگران بی ثباتی به تسلسل و توالی بین کمبودها و مزادها اطلاق می گردد به عبارتی بی ثباتی، نوسان کاهنده یا فزاینده یک متغیر، حول مقادیر روند خود می باشد بنابراین بی ثباتی صادرات نیز به انحراف مقادیر واقعی صادرات از روند پیش بینی شده آن اطلاق می شود. اگر صادرات کشور را شامل سه جز صادرات دائمی، گذرا و غیرقابل مشاهده بدانیم بی ثباتی صادرات را جزء دوم و سوم تشکیل خواهد داد (همان، ۱۳۹۰). از بررسیهایی که در مورد شاخصهای بی ثباتی صورت گرفته می توان استنباط کرد که در اغلب مباحث هر گونه انحراف از روند، به صورت بی ثباتی تعریف شده است. هر چند برخی از اقتصاددانان مانند کوپوک سعی در تعریف دقیقتری از بی ثباتی داشته اند. ادبیات مربوط به بی ثباتی درآمد صادرات به اثرات بی ثباتیدر مشکلات داخلی اقتصاد، مثل فشارهای تورمی و سرمایه گذاری، زمانی که درآمدها از روند منحرف می شوند متمرکز شده است (لشکری و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۶). همچنین در یک تعریف کلی هر چیزی که شرایط فضای اقتصادی را از مسیر رقابتی و بازاری بودنش دور کند بی ثباتی اقتصادی نامیده می شود. در ادبیات اقتصادی دو واژه انگلیسی *Economic volatility* و *Economic Instability* معادل بی ثباتی اقتصادی می باشند. دومی مفهوم عامتری بوده و در بر دارنده تمامشوک هایی است که بر اقتصاد وارد می شوند. این واژه دربردارنده سطح عدم تعادلها و هم چنین میزان نوسانات موجود در متغیرهای اقتصادی است؛ اما اولی مفهوم خاصی است که تنها شامل نوسان در متغیرهای اقتصادی است. در مجموع بی ثباتیهای اقتصادی علاوه بر بی ثباتی قیمت های مهم و کلیدی اقتصاد (نرخ ارز و ...) موارد بسیاری از جمله بی ثباتی درآمد ملی، درآمد صادراتی و بی ثباتی برنامه ها را شامل می شود (آل عمران و دیگران، ۱۳۹۳).

۳- مبانی نظری و پژوهش های انجام شده

برای کشورهای صادر کننده نفت بی ثباتی مساله مهمی بشمار می رود. نقطه اتکای این اهمیت ابداع راهکارها و ابزارهایی برای اطمینان بخشیدن به تثبیت قیمت ها در بازارهای بین المللی از سوی کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) می باشد که آن را به عنوان یکی از اهداف اساسی سازمان مطرح کرده اند. هر چند در اینجا قصد ما پرداختن به چگونگی بوجود آمدن این بی ثباتی نیست ما در اینجا باید افزود که ممکن است خود کشورهای عضو اوپک در جهت این بی ثباتی گام بردارند و این بی ثباتی می توان از عوامل سیاسی، اقتصادی و دیگر عوامل نشأت بگیرد. هدف ما در این مقاله ارزیابی بی ثباتی درآمدهای صادرات نفت و راهکارهای آن می باشد. فردرر (ferdrer) در تبیین نظریه های مربوط به پیامدهای کلان تغییر قیمت نفت به دو مکانیسم اشاره کرده است که قابل تعمیم به سایر کالاهاست. وی بیان می کند که بی ثباتی قیمت برای هر کالایی که بعنوان نهاده های تولید مورد استفاده قرار می گیرد، تأثیر منفی بر اقتصاد خواهد گذاشت. اولین مکانیسم از طریق تکانه های بخشی است: برخی از عوامل تولید اعم از نیروی کار و سرمایه در فرایند تولید تخصصی مشغول هستند که انتقال آنها به صنایع دیگر هزینه بر است؛ بنابراین تغییرات قیمت در هر نهاده و یا احتمالاً محصول که تخصیص بهینه نیروی کار و سرمایه بین صنایع را تحت تأثیر قرار دهد، اقتصاد کلان را متحمل هزینه سنگینی می کند. مکانیسم دوم، ارزش انتخاب تعداد وقفه های برگشت سرمایه است؛ زمانی که در مورد سطوح آینده قیمت ها برای نهاده ها و محصولات نااطمینانی وجود دارد بی ثباتی در قیمت هر نهاده و محصول (نه فقط نفت) یک ارزش انتخاب غیر منفی برای سرمایه گذاری برگشت ناپذیر ایجاد می کند (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶).

برخی مطالعات از این نظر حمایت می کنند که بی ثباتی قیمت نفت نه فقط در سطوح بالای قیمت ها، بلکه در تمام سطوح قیمتی به طور نامساعدی بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر می گذارند. در بعضی موارد اثرات بی ثباتی قیمت نفت نامتقارن نشان داده شده یعنی اینکه افزایش قیمت نفت سبب رکود اقتصاد شده است ولی کاهش قیمت آن به طور متناسب به رونق آن منجر نمی شود که این عدم تقارن، یکی از توضیحات برای تبیین اثر بی ثباتی قیمت نفت در سطوح قیمتی مختلف بشمار

۱-coppok

۲-guillamont

می‌رود (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵) همچنین این مطالعات به رابطه منابع و رشد و توسعه پرداخته‌اند. در سده نوزدهم اغلب مطالعات بر این نتیجه پایبند بودند که وفور منابع طبیعی موتور محرکه اقتصاد کشور، رشد اقتصادی و توسعه می‌باشد؛ اما از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون بیشتر مطالعات تجربی وفور منابع را باعث کندی رشد اقتصادی دانسته‌اند گوته آن هم کشورهای در حال توسعه می‌باشد (سلمانی و دیگران، ۱۳۸۹). البته باید در اینجا افزود که خود این منابع به خودی خود نمی‌تواند در روند رشد و توسعه یک کشور کارایی داشته باشد بلکه آنچه مهم است داشتن مدیریت این درآمدها و استفاده بهینه از آن و داشتن برنامه‌ای منسجم برای رشد اقتصادی با ایجاد نهادهای کارا و همچنین داشتن برنامه برای توسعه در تمام بخش‌های نظام اجتماعی اشاره کرد. آنچه که مهم است این است که این منابع از طریق صادرات خود ارزهای فراوانی را وارد کشور می‌کنند حال این تصمیم مسئولان کشور است که باید گرفته شود که باید برنامه‌ای تدارک دید تا به این موضوع لحاظ شود که در بلند مدت وفور این منابع اگر زیر بناهای دیگر تقویت نشود و اقتصاد کشور همچنان روی پاشنه صادرات این ماده بچرخد می‌تواند به وابستگی کشور به درآمدهای آن منجر شود و در نهایت با توجه به بی ثباتی که دامنگیر صادرات آن می‌شود این وابستگی در نهایت خود را نشان می‌دهد و تکانه‌های درآمدهای ارزی ثبات اقتصادی کشور را تهدید خواهد کرد و دیگر حوزه‌های نظام اجتماعی را تهدید خواهد کرد. عسکری و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به بررسی اثر بی ثباتی صادرات نفت بر رشد اقتصادی ایران پرداختند این محققان با استفاده از پنج تعریف از شاخص بی ثباتی نشان دادند که بی ثباتی صادرات نفت اثر منفی بر رشد اقتصادی ایران داشته است (سلمانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۸). مهرآرا و نیکی اسکویی (۱۳۸۵) هم در مطالعات خود به بررسی تکانه‌های نفتی و اثرات پویای آن بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداختند. در این مطالعه چها کشور صادر کننده نفت (ایران، اندونزی، کویت و عربستان) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و نتایج بدست آمده حاکی از آن است که درجه‌بندی‌های قیمت نفت در عربستان و کویت نسبت به ایران و اندونزی پایین‌تر است. همچنین تکانه‌های قیمت نفت مهم‌ترین منبع نوسانات تولید ناخالص داخلی و واردات در عربستان و ایران است و به طور کلی وابستگی و آسیب پذیری اقتصاد به درآمدهای نفتی به ترتیب در عربستان و ایران بیش‌تر از دو کشور دیگر می‌باشد (سلمانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۸). پاسبان (۱۳۸۳) برای دوره‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۹ نشان داده است که با رونق درآمدهای نفتی، تولید در بخشهای سنتی و کشاورزی کاهش یافته و اثر شوک قیمت نفت بر ارزش افزوده این بخش در طول زمان کاهش یافته و از بین رفته است (پاسبانی، ۱۳۸۳). خوش اخلاق و موسوی محسنی (۱۳۸۵) با استفاده از اطلاعات ۱۳۸۰ برای ساختار اقتصادی ایران نشان داده‌اند که با وقوع شوک ۵۰ درصدی افزایش در درآمدهای حاصل از فروش نفت بخش‌های قابل مبادله، به ویژه کشاورزی و صنعت تضعیف گردیده و بخش ساختمان به عنوان بخش غیر قابل مبادله تقویت می‌گردد (خوش اخلاق و دیگران، ۱۳۸۵). مسلم کرم زاده هم در تحقیقی با عنوان (وابستگی به درآمدهای بی ثبات نفتی، بی ثباتی در سیاست و توسعه اقتصادی در ایران) (۱۳۹۱)، با این نتیجه می‌رسد که به دلیل وابستگی شدید کشور به نفت و درآمدهای بی ثبات آن از طرف دیگر، همواره بی ثباتی‌های عظیمی از این ناحیه بر درآمدهای دولت و در نتیجه کل جامعه و اقتصاد کشور وارد شده است. بی ثباتی درآمدهای ملی در شرایط وابستگی شدید دولت به آن، برنامه ریزی، پیش بینی آینده میان مدت و بلند مدت اقتصاد و سیاست کشور که لازمه سرمایه گذاری و انجام فعالیت‌های زیربنایی اقتصادی است را غیرممکن ساخته و تا حدود زیادی حرکت دولت بر اساس برنامه‌های بلندمدت و حتی بودجه‌های سالانه مقرر و تحقق آنها را تحت الشعاع خود قرار داده است (کرم زادی، ۱۳۹۱: ۶۶).

۴- بی ثباتی درآمدهای صادراتی نفتی قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران

نفت مهم‌ترین منبع تأمین درآمد ارزی و یکی از منابع اصلی تأمین بودجه عمومی می‌باشد. سهم نفت در تولید ناخالص ملی در دهه ۱۳۳۰ پیوسته در حال افزایش بوده و امروز بخش عمده‌ای از تولید ناخالص ملی کشور به نفت اختصاص دارد. درآمد نفت که در سال ۱۳۴۱، ۱۲ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌داد در سال ۱۳۴۶، ۱۸ درصد آر تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهد. این رقم در سال ۱۳۵۱ به حدود ۶۰ درصد می‌رسد و به طور متوسط در فاصله سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۵ درآمد نفت باعث افزایش ۲۰ درصدی تولید ناخالص داخلی ایران شده است (شیخ زاده و مصلی نژاد، ۱۳۹۱).

اما مسئله اصلی این است که بالا بودن سهم نفت به معنای کاهش سهم دیگر بخش‌هاست و این کاستی در عمل وابستگی اقتصاد کشور به نفت را آشکار می‌کند. بر پایه یک پژوهش که مسعود کارشناس آن را انجام داد رابطه قوی میان تحولات صادرات نفت ایران و رشد GDP از سوی دیگر وجود دارد. برای مثال پیشرفت اقتصادی در سالهای ۶۲-۶۱ شدیداً به وسیله درآمدهای نفت حمایت می‌شد و در سالهای ۷۰-۶۸ نیز تحت تأثیر منافع شناور نفت، پیشرفت‌هایی در اقتصاد ایران حاصل گردید (همان، ۱۳۹۱).

با توجه به داده‌ها می‌توان گفت که اقتصاد ایران قبل و بعد از انقلاب کاملاً وابسته به صادرات نفت می‌باشد و این وابستگی به اقتصاد نفتی است که تکانه‌ها و شوک‌های نفتی به راحتی آن را به لرزه در می‌آورند و این وابستگی به نفت همچنین مانع شکل گیری یک اقتصاد درونزای متکی به توسعه پایدار در کشور می‌شود. بر اساس آمار سال ۱۳۹۱ ۵۰ درصد از درآمدهای ملی بودجه و ۸۰ درصد از صادرات کشور را نفت تشکیل می‌دهد. برای نمونه سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت در سالهای ۵۰ تا ۵۴ به ترتیب، ۷۷، ۷۶، ۸۱، ۸۹، ۸۷، درصد می‌باشد و در دوره بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ هم کما بیش همین وضع ادامه داشته است. برای مثال ترکیب درآمدهای دولت در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ به ترتیب ۵۷، ۸۳، ۶۲ درصد می‌باشند (همان، ۱۳۹۱). به توجه به این آمارها می‌توان گفت که هرچند وجود تحریم‌های که هم اکنون کشور در سال ۱۳۹۳ با روبرو هست و فروش نفت به نازل‌ترین قیمت خود در سالهای گذشته رسیده است (۵۰ دلار در هر بشکه) اما کماکان ارتباط بخش عمده‌ای از برنامه‌های دولت و به تبع آن برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور وابسته به درآمدهای نفت می‌باشد و این بحران‌ها گویای اقتصاد تک محصولی و وابسته به نظام جهانی می‌باشد.

۵- شوک‌های نفتی و بی‌ثباتی صادرات نفت

کارشناسان اقتصادی نه تنها شوک‌های منفی قیمت نفت بلکه شوک‌های مثبت را هم به سود کشورهای صادر کننده نفت نمی‌دانند. غالباً دولت‌ها تحت تأثیر شوک‌های منفی قیمت نفت مجبور می‌شوند تا بر واردات کالا و خدمات، محدودیت بیشتری را اعمال کنند تا از طریق صرفه جویی‌های ارزی امکان تأمین نیازهای ضروری کشور و بازپرداخت به موقع تعهدات خارجی فراهم گردد (صمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷). همچنین شوک‌های مثبت قیمت نفت به گونه‌ای دیگر اقتصاد کشورهای صادر کننده نفت را تحت تأثیر منفی خود قرار خواهد داد (همان: ۸).

در این بین همچنین «رابطه مبادل» شاخص گویای خوبی اثر تأثیر شوک‌های نفتی می‌باشد. رابطه مبادل که حاصل نسبت شاخص ضمنی درآمد صادرات به شاخص ضمنی قیمت واردات به سال پایه ۱۳۷۶ مطابق مطالعات بدست آمده حاکی از آن است که رابطه مبادل ایران طی سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۱ در اطراف ۵۰ در حال تغییر بوده و روند باثباتی داشته است ولی در سال ۱۳۵۲ در اثر شوک نفتی به صورت ناگهانی افزایش یافته است به طوری که در سال ۱۳۵۸ به رقم بی سابقه ۲۸۸ رسیده است. همچنین از سال ۱۳۶۵ به بعد و به جز سال ۱۳۶۶ این رقم تا سال ۱۳۷۲ زیر ۱۰۰ بوده است. از سال ۱۳۷۲ و با اتمام برنامه اول، روند رابطه مبادل با بهبودی موقتی مواجه شده ولی دوباره و بلافاصله و هم زمان با کاهش جهانی قیمت نفت (شوگ) دوم به رقم ۶۹ در سال ۱۳۷۷ کاهش می‌یابد. از سال ۱۳۷۸ روند صعودی ملایمی با انحراف معیار ۶۷ به ۱۲۰ در سال ۱۳۸۵ می‌رسد که نشان از بی‌ثباتی بالا در روند این نسبت در این دهه بوده است (کازرونی و سجودی، ۱۳۸۹). همچنین نشریه دنیای اقتصاد در شماره ۳۳۰ در ماه بهمن ۱۳۹۳ می‌نویسد که: قیمت جهانی نفت از سال ۱۳۸۰ طی یک روند صعودی از حدود ۲۱ دلار در هر بشکه افزایش یافت تا اینکه این افزایش قیمت در بهار ۱۳۸۷ به اوج خود رسید و به حدود ۱۴۰ دلار در هر بشکه افزایش یافت در اواخر بهار ۱۳۸۷ به علت بحران مالی-اقتصادی جهانی قیمت نفت کاهش یافت به نحوی که این قیمت به حدود ۳۵ دلار در هر بشکه نیز رسید. روند قیمت نفت پیش از یک شوک کاهشی، افزایش یافت و از سال ۱۳۸۹ تا بهار ۱۳۹۳ قیمت نفت در محدوده ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار با ثبات همراه بود اما از اواخر بهار ۱۳۹۳ شوک کاهشی دیگر نفتی رخ داد به طوری که تا اواسط دی ماه قیمت نفت به مرز (۵۰) دلار در هر بشکه کاهش یافت. از دلایل کاهش قیمت نفت در این دوره کاهش تقاضای نفت از یک سو و عدم اتحاد اعضای اوپک جهت کاهش سقف تولید نفت به زیر ۳۰ میلیون بشکه در هر

روز را می‌توان برشمرد. همه این آمارها نشان از روند بی ثبات درآمدهای صادرات نفت و به تبع آن اقتصاد وابسته به نفت در کشور می‌باشد این بی ثباتی درآمدهای صادراتی زمانی که کشور وابسته به نفت می‌باشد پیامدهایی بدنبال خواهد آورد.

۶- پیامدهای بی ثباتی درآمدهای صادرات نفت

۱- اثر نوسانات قیمت نفت بر رشد اقتصادی

کشورهای صادرکننده نفت عمدتاً دارای اقتصاد دولتی هستند که توسط درآمدهای نفتی اداره می‌شوند بنابراین عمده سرمایه گذاری زیربنایی و حتی سرمایه گذاریهای دیگر از درآمدهای نفتی دولتی تأمین مالی می‌شوند. کاهش در قیمت نفت در کشورهای صادرکننده نفت باعث کاهش درآمدهای نفتی دولت می‌شود از آنجا که مخارج جاری حالت چسپندگی نسبت به پایین دارند و به راحتی امکان کاهش آن در هنگام کاهش درآمدهای نفتی وجود ندارد، کاهش درآمدهای نفتی باعث کاهش سرمایه گذاری زیربنایی می‌شود که این امر خود باعث کاهش تولید جامعه می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ۸۶).

۲- بیماری هلندی

براساس پدیده بیماری هلندی، چنانچه اقتصاد با افزایش ناگهانی در قیمت صادراتی کالاهای اولیه مانند نفت خام روبرو شود این امر به افزایش درآمد و به دنبال آن افزایش تقاضای داخلی منجر می‌شود. واکنش اصلی اقتصاد در برابر این تکانه افزایش تقاضای نیروی کار و به دنبال آن افزایش دستمزدها می‌باشد. با توجه به اینکه قیمت محصولات در بخش قابل تجارت برونزا فرض می‌شود، تنها قیمت محصولات در بخش غیر قابل تجارت افزایش می‌یابد، لذا افزایش دستمزدها سود بخشهای صادراتی را کاهش می‌دهد. در نهایت تأثیر ناشی از تکانه ناگهانی قیمت نفت به کاهش نرخ ارز واقعی منجر می‌شود. این امر کاهش رقابت پذیری کشور در عرصه بین المللی را به دنبال دارد و در نهایت سبب کاهش تولیدات در بخشهای اقتصادی قابل تجارت شده و ارزش افزوده در این بخشها را کاهش می‌دهد (همان، ۸۶). اولین شواهد ورود بیماری هلندی به اقتصاد ایران به سال ۱۳۵۳ شمسی برمی گردد. در این سال تحت تأثیر افزایش قیمت نفت، بودجه عمومی کشور افزایش یافت و به دلیل رشد واردات و کاهش سطح تولیدات داخلی همزمان با کاهش درآمدهای نفتی در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ دوره‌ای از رکود اقتصادی آغاز شد. این درحالی بود که دولت در آن زمان خود را متعهد به صرف هزینه‌های هنگفت عمومی کرده بود و کاهش درآمدهای نفتی به دلیل کاهش قیمت نفت، سبب کاهش توانایی عملی دولت در پاسخ به مطالبات عمومی شد. این امر موجب چنان تورمی شد که اثرات خود را تا اواخر دهه ۱۳۵۰ و حتی پس از انقلاب نیز به جای گذاشت. پس از انقلاب با توجه به جنگ تحمیلی و اولویت اقتصاد کشور به تأمین هزینه‌های جنگ، هرگونه اصلاح ساختار در اقتصاد در عمل به فراموشی سپرده شد؛ تا سال ۱۳۶۸ و ورود به دهه ۷۰ این وضع ادامه دارد (طیبیان، ۱۳۸۷). همچنین طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بخش صنعت و کشاورزی کمترین رشد تعداد شاغلین را در بخشهای مولد داشته‌اند؛ و در سالهای ۱۳۸۴-۱۳۷۸ نرخ متوسط تورم کشور ۱۳/۷ درصد بوده و این درحالی است که این رقم در بخش‌های خدماتی و مسکن ۱۸/۱ و ۱۷/۹ بوده است (قبادی، ۱۳۸۷).

۳- اثر بی ثباتی درآمدهای نفت بر بی ثباتی برنامه‌های توسعه‌ای

در شرایطی که کلیدی‌ترین و تعیین کننده ترین متغیر درآمدی کشور خصلتی برونزایی و غیر قابل کنترل دارد و ثبات آن ممکن نیست نظام برنامه ریزی و سیاست گذاری در کشور هم با چالش‌هایی روبرو خواهد شد. این تغییرات به گونه‌ای می‌باشند که نظام برنامه ریزی در کشور زمانی که شاهد رونق درآمدهای نفتی می‌باشد به گونه‌ای و در زمان افت درآمدهای آن به گونه‌ای دیگر و این یعنی بی ثباتی برنامه.

بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب هم حکایت از افت و خیزهای دارد که همگی آنها با نابسامانیهای قیمت نفت مرتبطاند. برای مثال می‌توان به دوره جنگ (۱۳۶۷-۱۳۵۹) اشاره کرد. رکود در دوره اول طی سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ به دلیل کاهش صادرات نفت دوره دوم سالهای ۶۴-۶۱ که دوره رونق اقتصادی بود که آن هم تحت تأثیر نفت بود و دوره سوم هم که که با رکود شدید اقتصادی، وضعیت نگران کننده شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی همراه است با کاهش شدید درآمدهای نفتی در ارتباط است (کرم زادی، ۱۳۹۱). در واقع این واقعیت که تهران در سال ۱۳۶۱ معادل ۷۰ درصد از درآمدهای سالانه

نفت را صرف مقاصدهای نظامی می‌کرد نشان دهنده میزان وابستگی جنگ به درآمدهای نفتی بود (همان: ۵۸). پس از جنگ هم اهمیت درآمدهای نفتی و وابستگی آن جهت بازسازی خرابی‌های حاصل از جنگ بسیار بیشتر شد. به همین دلیل نخستین برنامه ۵ ساله توسعه بر پایه بودجه ارزی معادل حدود ۱۴۷ میلیارد دلار استوار بود که از این مقدار قرار بود حدود ۱۰۳ میلیارد دلار از آن از محل درآمد نفت تأمین گردد (همان: ۵۹). همچنین می‌توان به کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۷۷ اشاره کرد محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت مشکلاتی را که قیمت نفت برای توسعه و حتی وضعیت معیشت مردم بوجود آورد بیان می‌کند:

«درست در سال ۱۳۷۷ قیمت نفت به پایین‌ترین سطح آن در ۲۵ سال گذشته رسید و دولت با کاهش شدید درآمدهای ارزی مواجه شد. همین یک مشکل کافی بود که کل جامعه ما را با بحران روبرو کند، فشارهایی که بر مردم آمد و رکود تومی که از سال ۱۳۷۵ آغاز شده بود در این سال تشدید شد یعنی وقتی بودجه ما کم شد، برای اینکه تورم بالا نرود به جای اینکه ۲۵۰۰ میلیارد تومان از بانک قرض کنیم فقط ۶۰۰ میلیارد تومان قرض کردیم یعنی تلاش کردیم بار هزار و هشتصد میلیارد کسری را از طریق فشار بر دولت جبران کنیم و بخش قابل توجهی از آن فشار بر بودجه‌های عمرانی وارد شد که طبیعتاً روند کارها را کند کرد (خاتمی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). همچنین بی‌ثباتی سیاست‌ها و برنامه‌ها و راهکارهای مقابله با فقر و نابرابری می‌شود. در تحقیقی که در این زمینه از سوی حسین راغفر و آزاده ابراهیمی (۱۳۸۷) انجام شده است به این نتیجه می‌رسند که بی‌ثباتی صادرات نفت، خود را به وضوح در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی متجلی کرده‌اند که این امر به دامن زدن فقر و توسعه نابرابری کمک کرده‌اند. «به دنبال کاهش شدید درآمدهای نفتی هم چون سال ۱۳۶۵، درجه‌ای از رکود اقتصادی و کاهش مخارج عمومی دولت‌ها را شاهدیم که این امر به نوبه خود موجب افزایش فقر و توسعه نابرابری در جامعه می‌شود. افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی از سالهای ۱۳۸۴ به بعد نیز موجب بروز پدیده بیماری هلندی در کشور می‌شود. مشابه چنین پدیده‌ای را طی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ در اقتصاد ایران را شاهد بودیم. افزایش شدید درآمدهای نفتی نوعاً موجب افزایش نرخ مبادله ارز به صادرات می‌شود و همزمان به دلیل فقدان انضباط مالی لازم در دولت‌ها، افزایش شدید واردات را به دنبال دارد. هر دو این پدیده‌ها، در طرف عرضه اقتصاد موجب کاهش تولید در داخل و افزایش رکود و در طرف تقاضا، افزایش شدید تقاضا را به دنبال داشته است. همین امر موجب سبب بروز تورم لجام گسیخته در اقتصاد کشور شده است. نوعاً قربانیان تورم شدید، گروه‌های درآمدی متوسط و پایین و کسانی هستند که درآمدهای ثابت دارند. فقرا به دلیل فقدان قدرت چانه زنی و دارایی‌هایی که در اثر تورم، قیمت آنها نیز افزایش می‌یابد (مثل زمین و مسکن) بازندگان اصلی بیماری هلندی و تورم شدید در اقتصاد هستند. فقدان تورهای ایمنی سبب می‌شود که بیش‌ترین در سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در هر دو مورد رکود و تورم، متوجه گروه‌های درآمدی متوسط و پایین باشد (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۳۳).» همچنین در دوره (۱۳۸۸-۱۳۸۴) با وجودی که در کل این دوره درآمدهای نفتی سرشار بود و در مقاطعی قیمت نفت به بشکه‌ای بالاتر از ۱۵۰ دلار رسید ولی به دلیل تزریق درآمدهای نفتی به درون جامعه، اقتصاد کشور با معضلات عمده‌ای از جمله تورم، رکود و ورشکستگی بسیاری از بنگاهها اقتصادی مواجه شد، زیرا به پشتوانه درآمدهای عظیم نفتی در بودجه ریزی، سیاست انبساطی اجرا شد و بعلاوه به دلیل حضور درآمدهای نفت در ذخایر بانک مرکزی و در ادامه اجرای سیاست وام‌های زودبازده، سبب انبساط شدید در بخش پول شده و باعث افزایش شدید تقاضا در تمامی بخش‌های اقتصادی شد که این موضوع نیز به تورم شدیدی منجر شد برای مثال در بخش غیر قابل مبادله اقتصاد مثل زمین و مستغلات افزایش شدیدی در سالهای (۱۳۸۷-۱۳۸۵) به وجود آمد که دولت مجبور به سیاستگذاری در این زمینه و تغییر در بسیاری از سیاست‌های (بی‌ثباتی) خود شد. از جمله در سال ۱۳۸۷ اعطای وام به مردم و بخش صنعت را متوقف کرد که در این زمینه بسیاری از صنعتگران و تولیدکنندگان شدیداً با مشکل نقدینگی مواجه شدند (کرم زادی، ۱۳۹۱: ۶۳).

۷- بحث و نتیجه گیری

بی ثباتی درآمدهای صادرات نفت یکی از مسائل بسیار حاد برای اقتصاد کشور ما بشمار می‌رود. این موضوع زمانی می‌تواند حاد تلقی شود که کشور به فروش ذخایر نفتی وابسته باشد چنانکه با بی ثباتی درآمد نفت به دیگر حوزه‌ها سرایت می‌کند و کل ساختار نظام جامعه را در بر می‌گیرد این داستان را می‌تواند به طوفان در دریا و مشکلاتی که برای افراد درون کشتی پیش می‌آید تشبیه کرد. به گونه‌ای که هر چند که وجود طوفان و بادهای دریایی و حملات دزدان دریایی از عوامل بی ثباتی دریا می‌باشند که زمانی که کشتی و سرنشینان آن آمادگی برای رویاروی با این دست‌ممسائل را نداشته باشند و بی ثباتی کشتی در گرو بی ثباتی دریا باشد می‌توان پیش بینی کرد که کشتی توانایی رسیدن به ساحل را ندارد چرا که بی ثباتی دریا به کشتی منقل شده و بی ثباتی کشتی ثبات سرنشینان کشتی را به مخاطره می‌اندازد در دنیای اقتصادی هم چنان است زمانی که اقتصاد کشور وابسته به صادرات نوعی از کالا باشد بی ثباتی درآمد آن ثبات اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد در کشور ایران هم چه قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ وابستگی به درآمدهای نفتی مسئله آفرین بوده است و اثرات این بی ثباتی پیامد آفرین. این پیامدها هم بر بدنه ساختار اقتصادی کشور و هم در مرتبه دوم نظام اجتماعی وارد شده‌اند. بی ثباتی درآمدها خود را به دو شکل نمایان کرده‌اند زمانی که با کاهش درآمدهای نفتی مواجه شده‌اند با کاهش درآمدهای ارزی توانایی واردات را از دست داده و موجب ورشکستگی بسیاری از بنگاهها شده‌اند و از طرفی با رونق صادرات و افزایش نقدینگی در کشور تورم را موجب شده‌اند. همچنین می‌توان به تأثیر این بی ثباتی بر رشد اقتصادی و بروز پدیده بیماری هلندی اشاره کرد. از طرفی دیگر این بی ثباتی درآمدها زمینه ساز بی ثباتی برنامه‌های توسعه‌ای و سیاست‌های بودجه‌ای و بی ثباتی‌های برنامه ریزی شده‌اند چرا که بودجه ریزی سالانه و سایر برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی بشدت وابسته به منابع نفتی‌اند و نابسامانی درآمدهای صادرات نفت زمینه ساز نابسامانی‌های برنامه‌های دولت می‌باشد که طی تحقیقات انجام گرفته این امر هم در نهایت گریبانگیر گروه‌هایی با سطح درآمدی پایین می‌گردد.

منابع

۱. کرم زادی، مسلم، (۱۳۹۱)، وابستگی به درآمدهای نفتی، بی ثباتی در سیاست و توسعه اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی، سال هشتم، شماره ۲۱، صفحات ۴۹-۶۸.
۲. ابراهیمی، سجاد، (۱۳۹۰)، شوک‌های قیمت نفت و نوسانات نرخ ارز و نااطمینانی حاصل از آنها بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب، فصلنامه پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۵۹، ۱۰۶-۸۳.
۳. خاتمی، محمد، (۱۳۸۰)، مردم سالاری، تهران، انتشارات طرح نو.
۴. راغفر، حسین؛ ابراهیمی، آزاده، (۱۳۸۷)، نابرابری درآمدی در ایران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
۵. کارزونی، علیرضا؛ سجودی، سکینه، (۱۳۸۹)، بررسی اثر بی ثباتی رابطه‌مبادله بر رشد اقتصادی ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۰، صفحات ۱۳۹-۱۱۹.
۶. پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۳)، تأثیر نوسانات قیمت نفت بر تولید بخش کشاورزی در ایران و بیماری هلندی، (فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، صص ۱۳۶-۱۱۷).
۷. بهبودی، داود؛ متفکرآزاد، محمدعلی؛ رضازاده، علی، (۱۳۸۸)، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ششم، شماره ۲۰ بهار.
۸. لشکری، محمد؛ احمدی، حمیده، (۱۳۹۲)، عوامل مؤثر بر بی ثباتی درآمد ارزی صادرات ایران فصلنامه سیاسی-اقتصادی-شماره ۲۹۲.
۹. مصلی نژاد، عباس؛ حسین، شیخ زاده، (۱۳۹۲)، نقش نفت در توسعه اقتصادی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، صفحات ۴۳-۶۰.

۱۰. سلمانی، بهزاد؛ بهبودی، داود؛ اصغرپور، حسین، ممی پور، سیاب، (۱۳۹۱)، اثر بی ثباتی درآمد نفتی بر رشد اقتصادی ایران با تاکید بر حساب ذخیره‌های اقتصاد کلان، سال هفتم، شماره ۱۴.
۱۱. فخرایی، عنایت‌اله؛ احمدی، حمیده، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر نوسانات درآمدهای ارزی صادرات غیر نفتی ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، بررسی اقتصاد سابق دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صفحات ۱۴۹-۱۳۳.
۱۲. مهدیه، شاهرخ، (۱۳۹۳)، نشریه دنیای اقتصاد، شماره ۳۳۰.
۱۳. افروز، احمد؛ سوری، علی، (۱۳۸۳)، اثر ثبات و نوسانات صادرات نفت بر رشد اقتصادی ایران، پیک نور، سال دوم - شماره چهارم، صفحات ۱۱۰-۱۰۳.
۱۴. صمدی، سعید؛ یحیی آبادی، ابوالفضل؛ معلمی، نوشین، (۱۳۸۸)، تحلیل تأثیر شوک‌های قیمت نفت بر متغیرهای اقتصادی کلان در ایران، فصلنامه پژوهش و سیاستهای اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۵۲، صفحات ۲۶-۵.
۱۵. آل عمران، رؤیا؛ آل عمران، سید علی، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر بی ثباتی صادرات بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره چهاردهم، صفحات ۶۶-۳۹.

Evaluation the revenue instability of oil exportation and its socio - economic implications in Iran

Rahmat Shamsi* , Bakhtiar Ahmadi

MA Development Studies, Tehran University, Tehran, Iran
MA Sociology, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Abstract

In countries where the bulk of export revenue comes from oil export and other non-oil incomes are, at least, the stability of incomes is very important. Due to the fact that oil is the most important source of foreign exchange earnings and is one of the main sources for providing public funding of the country, instability, uncertainties and income fluctuations arising from it, that is related to various factors, will affect all economic and social programs. This study is a descriptive- analytical research and based on conducting studies and using data for secondary analysis. The conducted describes and analyzes indicate that the instability of incomes is the grounds for instability of development programs and budgetary policies and planning instabilities, because the annual budgeting and other economic, social and welfare programs are highly dependent on oil supplies and the ravages of oil export revenues are the grounds for ravages of government programs that because of conducted studies this will finally affect the low-income groups.

Keywords: export instability, Dutch disease, oil shocks, economic growth
